



## درس ششم قدرت اجتماعی

پرسش «علم بهتر است یا ثروت؟» زمانی یکی از موضوعات معروف انشا بود. آیا می‌دانید معمولاً چه پاسخی به این پرسش داده می‌شود؟ چرا چنین پرسشی زمانی پررنگ و زمانی کم‌رنگ می‌شود؟ پاسخ شما به این پرسش چیست؟

انسان همواره سه‌گانه قدرت، ثروت و دانش را ارزش‌های واسطه‌ای و پیش‌نیازهای دستیابی به سعادت و کمال حقیقی می‌داند، از این رو همه آنها را خوب و خیر می‌دید، ولی وقتی عملکرد آنها را در دستیابی به سعادت، با یکدیگر مقایسه می‌کرد، معمولاً دانش را کاملاً مثبت (خیر و خوب)، ثروت را خاکستری (نه خوب و نه بد) و قدرت را بیشتر منفی (بد) ارزیابی می‌کرد. اما در دوره اخیر، در گوشه‌ای از دنیا، برخی مدعی شدند، همین ارزیابی‌های اخلاقی و نگاه وسیله‌ای به قدرت و ثروت، دست و پا گیر بوده و مانع توسعه آنها شده است. پس از آن، قدرت و ثروت دیگر مورد داوری اخلاقی قرار نگرفتند تا با توسعه و گسترش آنها، زمینه آسایش و آرامش بشر فراهم شود. دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود شد و برای نیل به همان هدف به خدمت گرفته شد. اما دیری نپایید که در کنار نتایج خیره‌کننده و شگرف توسعه قدرت و ثروت، پیامدهای دیگری همانند فقر، نابرابری، سرکوب، جنگ و تخریب طبیعت و... نیز ظاهر شدند. این پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند، واکنش‌های شدیدی برانگیخت.

نخستین واکنش به ثروت نشان داده شد. ثروت دیگر نه یک امر خنثی (نه خوب و نه بد) بلکه ریشه بسیاری از ظلم‌ها و شرارت‌ها قلمداد شد و مالکیت، دزدی خوانده شد.

واکنش شدید بعدی به دانش نشان داده شد و خوش‌بینی به دانش نیز مورد تردید جدی قرار گرفت. تا پیش از

این، منازعات بر سر قدرت و ثروت را به قضاوت دانش می‌سپردند ولی حالا دیگر، خود دانش نیز مورد نزاع و کشمکش بود؛ یعنی دانش دیگر راهنمای ما به سوی سعادت نبود بلکه، به همراه قدرت و ثروت، رو به تاریکی و ظلمت می‌نهاد.

این‌گونه بود که ارزش هر سه مزیت قدرت، ثروت و دانش مورد شک و تردید بنیادی قرار گرفت. در چنین شرایطی، بشر صرفاً به فایده و لذت ناشی از این مزایا بسنده کرد. اما این نقطه پایان ماجرا نیست. ما انسان‌ها همچنان می‌توانیم در مورد قدرت، ثروت و دانش بیندیشیم. شما چه تصویری از این سه پدیده دارید؟ به نظر شما آیا راهی برای ارزیابی این پدیده‌ها وجود دارد؟ شما قدرت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

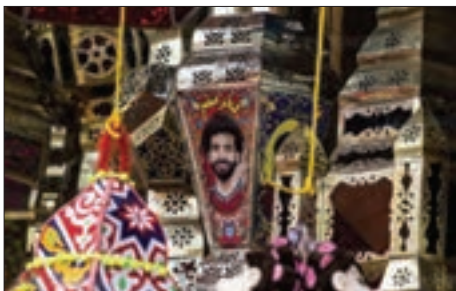
### بخوانیم و بدانیم

دو امیر زاده در مصر بودند. یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت. عاقبت آن یکی علامه عصر گشت و این یکی عزیز مصر شد. پس این توانگر به چشم حقارت در فقیه نظر کردی و گفتی: من به سلطنت رسیدم و این همچنان در مسکنت بمانده است. گفت: ای برادر! شکر، نعمت باری عزّ اسمه همچنان افزون تر است بر من که من میراث پیغمبران یافتم؛ یعنی علم و تو را میراث فرعون و هامان رسید؛ یعنی ملک مصر.

کجا خود شکر این نعمت گزارم      که زور مردم آزاری ندارم  
(سعدی، گلستان)

### انواع قدرت

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند. به نظر شما چه راه‌هایی برای تأثیرگذاری بر اراده دیگران وجود دارد؟



■ محمّدصلاح، فوتبالیست مصری، آن قدر در میان مردم مصر محبوبیت دارد که در انتخابات ریاست جمهوری بدون اینکه نامزد شود، حدود یک میلیون نفر از مردم به او رأی داده بودند.



در سال ۱۹۸۰ م یک زن چینی به جریمه‌ای معادل ۲۰۰ دلار محکوم شد، چون مطابق قوانین، او اجازه نداشت که با داشتن یک فرزند، دوباره صاحب فرزند شود. علاوه بر این، نام کودک او تا چند سال در اسناد رسمی به ثبت نرسید و کودک از ورود به مدرسه و استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی محروم شد.

■ علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

## ببینیم و بدانیم



فیلم سینمایی «سازدهنی» روایت چند پسر بچه است که یکی از آنها، عبدلو، یک سازدهنی دارد و از آن به‌عنوان ابزاری برای کسب قدرت استفاده می‌کند. در این میان امیرو، بیش از دیگر بچه‌ها شیفته سازدهنی می‌شود تا جایی که بنده و مطیع عبدلو می‌گردد و عزت نفس خود را از دست می‌دهد.

## ● قدرت مقبول و قدرت مشروع

قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است: تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، «اقتدار» نامیده می شود. به نظر شما قدرتی که دیگران با اکراه از آن تبعیت می کنند، تا چه زمانی می تواند تداوم داشته باشد؟



■ استالین، در تنهایی جان داد. علی رغم تأخیر او برای خروج از اتاق، هیچ کس جرأت نداشت در بزند و حالش را بپرسد چون شب قبل گفته بود، کسی مزاحمش نشود. همه می ترسیدند اینها نقشه‌ای برای سنجش وفاداری آنها باشد.



■ موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی آلمان در زمان صدراعظمی هیتلر، سخنرانی‌های پرشور او بر ضد پیمان ورسای و ترویج ایده ملی‌گرایی، باعث محبوبیت هیتلر در میان مردم شد.

دانستید قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت تبعیت‌کنندگان به دست می آید، مقبولیت دارد، اما مشروع بودن قدرت معنای دیگری دارد. مشروعیتِ قدرت به این معناست که قدرت مطابق یک نظام عقیدتی و ارزشی اعمال شود.

بنابراین مدار مقبولیت، خواست و ارادهٔ کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود، اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. البته قدرت مشروع نیز انواعی دارد: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد، اما اگر موافق با ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی می توانند با هم باشند و می توانند از یکدیگر جدا باشند. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی.

هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیر مشروع وجود دارد.

آیا در جامعه‌ای که فرهنگ عمومی مردم، فرهنگ دینی است، قدرت نامشروع می‌تواند مقبولیت داشته باشد؟



■ گاندی، رهبر مردم هند در مبارزه با استعمار انگلیس. مردم هند به او لقب ماهاتما (روح بزرگ) و باپو (پدر ملت) داده‌اند.



■ مارتین لوتر کینگ، رهبر پرنفوذ جنبش مدنی سیاهان آمریکا، در سخنرانی مشهور «رؤیایی دارم» از آرزوی خود برای احقاق حقوق سیاهان سخن گفت.



■ رئیس‌علی دلواری، رهبر محبوب مردم تنگستان در قیام علیه استعمار انگلیس. ۱۲ شهریور به نام او روز ملی مبارزه با استعمار نام‌گذاری شده است.

### ● قدرت سخت و قدرت نرم

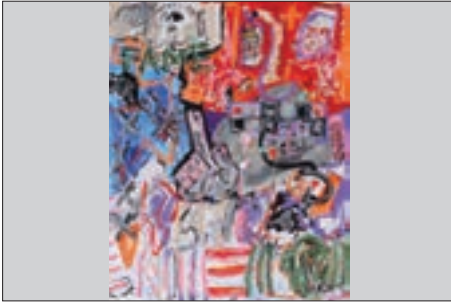
قدرت را می‌توان به قدرت سخت و نرم هم تقسیم کرد. قدرت سخت، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به‌طور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می‌شود، اما قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه‌ها و نهادهای آموزشی اعمال می‌شود.

در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می‌شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می‌شود.

نظام آموزشی کشورها از دیگر ابزارهای اعمال قدرت نرم است؛ یعنی یک کشور می‌تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ و جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد.

در گذشته نبرد بین دولت‌ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می‌گرفت و رسانه‌ها خبر آن را منتشر می‌کردند، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می‌گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد در ادامه جنگ فرهنگی رخ می‌دهد.

امروزه بسیاری از کنشگران فردی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی گسترده‌ای در فضای مجازی دارند و به همین دلیل گاهی در مقایسه با دولت‌ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؛ سلبریتی‌ها ستاره‌های هنری و ورزشی و... از جمله این کنشگران فردی هستند که در برخی موارد می‌توانند جریان ساز شوند.



■ نقاشی آزادی در برابر سلبریتی اثر آدام دیسبرو.  
سلبریتی به معنای ستاره و فرد مشهور است. ستاره‌ها سلبریتی شدن خود را مدیون رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها نیز از طریق آنها درآمذایی می‌کنند.  
سلبریتی‌ها گاهی جریان‌ساز شده و جنبش‌هایی به راه می‌اندازند.

■ ادوارد اسنودن اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای از برنامه‌های سری سیا را فاش کرد. این اطلاعات درباره جاسوسی از شخصیت‌ها و مردم عادی در مکالمات تلفنی، ایمیل و استفاده از موتورهای جست‌وجوی اینترنت در کشورهای مختلف بود.

## گفت و گو کنید

انقلاب‌هایی که با استفاده از قدرت نرم رسانه‌ها درصدد براندازی حکومت‌های مخالف غرب برآمدند، انقلاب‌های رنگین نام گرفتند.  
در مورد این انقلاب‌ها و همچنین نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی با هدف براندازی یک حکومت و شکل دادن به انقلاب‌های رنگین گفت‌وگو کنید.



■ انقلاب گل سرخ در گرجستان



■ انقلاب نارنجی در اوکراین

## انواع نظام سیاسی

سیاست چیست و چه رابطه‌ای با قدرت دارد؟ نظام‌های سیاسی چه انواعی دارند؟ هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، «سیاست» پدید می‌آید؛ یعنی سیاست، اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدف است.

هر جهان اجتماعی آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب، به آرمان‌ها و ارزش‌های خود دست یابد.



مجموعه ساز و کارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، به «نظام سیاسی» شکل می‌دهد.

در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می‌گیرد. نظام سیاسی، بر نظام‌های دیگر، اثر می‌گذارد و از آنها نیز تأثیر می‌پذیرد.



■ شعار جمهوری فرانسه بر سردر یک کلیسا پس از قانون سال ۱۹۰۵ م مبنی بر جدایی دین از سیاست.

■ با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه‌داری دولتی و مزرعه‌داری اشتراکی به عنوان دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی، رایج شدند.

نظام‌های سیاسی انواع گوناگونی دارند. به نظر شما با چه ملاک‌هایی می‌توان نظام‌های سیاسی را دسته‌بندی کرد؟ نظام‌های سیاسی را می‌توان براساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی کرد.

از جمله:

■ براساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که در آن یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد.
- نظام‌هایی که در آن اقلیتی تصمیم‌گیرنده هستند.
- نظام‌هایی که در آن اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیر گذارند.



■ مشروطه سلطنتی انگلستان



■ پارلمان هند



■ حزب کمونیست چین

■ **براساس روش تصمیم‌گیری؛** با این ملاک می‌توان نظام سیاسی را به دو دسته تقسیم نمود:

- نظام‌هایی که در آن، حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می‌دانند.
- نظام‌هایی که در آن، حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

ارسطو از این دو ملاک برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده کرده و از شش نوع حکومت نام برده است. همان‌طور که در جدول می‌بینید در سه نوع از این نظام‌های سیاسی یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر مدار خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت براساس حقیقت و فضیلت استوار است. شما با نام برخی از این انواع آشنا هستید. اکنون می‌توانید این نظام‌های سیاسی را با توجه به تعداد حاکمان یا روش حکومت با یکدیگر مقایسه کنید. آیا می‌توانید بگویید جمهوری و دموکراسی از نظر ارسطو چه تفاوتی دارند؟

#### دسته‌بندی نظام‌های سیاسی از نظر ارسطو

براساس خواست و میل حاکم	براساس فضیلت	روش حکومت / تعداد حاکمان
استبدادی	موناشری	فرد
الیگارش	آریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	جمهوری	اکثریت



■ **الیگارش** حکومت اقلیتی از سرمایه‌داران است که در برابر اکثریت مردم مسئول نیستند و قدرت را در جهت منافع خود به کار می‌گیرند.



■ **آریستوکراسی** حکومت نخبگانی است که از امتیازات طبقاتی برخوردار بوده‌اند.



■ **حکومت پاپ** بر واتیکان و کلیسای جهانی کاتولیک از جمله حکومت‌های موناشری دانسته شده است.



برخی اندیشمندان اجتماعی و سیاسی، ملاک‌های دیگری بر ملاک‌های ارسطو افزوده‌اند و گونه‌شناسی دیگری از نظام‌های سیاسی ارائه کرده‌اند. برای مثال فارابی ملاک دین‌مداری یا دنیامداری نظام سیاسی را نیز در نظر گرفت.

نظام سیاسی دینی و دین‌مدار براساس احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. در مقابل نظام سیاسی دنیامدار فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این جهانی را مورد توجه قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

## بخوانیم و بدانیم

### لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی:

لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همهٔ امور برای انسان و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است. بنابراین لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و ارادهٔ اکثریت مردم شکل می‌گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی‌شناسد، همچنین حکومتی دنیوی و سکولار است. این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به جهان هستی دارد، سازگار است و آزادی را مهم‌ترین ارزش اجتماعی می‌داند. توسعه، ثبات، رفاه، سلطه بر طبیعت و بر جهان از دیگر ارزش‌های مهم در این نظام سیاسی هستند. در این نظام سیاسی فقط می‌توان از مقبولیت نظام حرف زد و نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت. آیا می‌دانید چرا؟

جمهوری اسلامی نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته است. عنوان جمهوری در این ترکیب به این معناست که مردم جامعه، خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و کلمهٔ اسلامی نشان‌دهندهٔ این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کند. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می‌گردند. به علاوه ارزش‌های سیاسی و همچنین قوانین و مقررات اجتماعی با عقل و وحی شناخته و معین می‌شوند، مردم نیز مسئولیت شناخت و اجرای آنها را برعهده دارند.

## داوری علمی ارزش‌های سیاسی

کنش سیاسی و استفاده از قدرت، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود یا با هدف حفظ آن. اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف پیشگیری از تغییر است. هرگاه تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف ایجاد وضعیت بهتر است. اما چگونه می‌توان تشخیص داد که تغییرات مورد نظر، وضعیت موجود را بهتر می‌سازد یا بدتر؟

۱- در درس نهم با دسته‌بندی فارابی از جوامع آشنا می‌شوید.

مهم‌ترین هدف ما در زندگی دستیابی به فضیلت‌های انسانی و سعادت همگان است. سعادت و فضیلت در زندگی خوب و جامعه خوب به دست می‌آید، از این‌رو فعالیت‌های سیاسی باید در جهت دسترسی به جامعه خوب برای دستیابی به فضیلت‌های انسانی و سعادت باشند. امور سیاسی، مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان‌ها قرار می‌گیرند؛ یعنی امور سیاسی خنثی نیستند. به علاوه این امور از انسان‌ها اطاعت، وفاداری و تصمیم می‌خواهند بنابراین لازم است که آنها را براساس ملاک‌هایی ارزیابی کنیم. آیا امکان ارزیابی ارزش‌های سیاسی و داوری درباره آنها وجود دارد؟



■ اغلب جهان‌های اجتماعی رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. حمایت از مظلومان، دفاع از عدالت، آزادی و... از ارزش‌های حقند.

شاید در عمل، تشخیص دقیق خوب از بد بسیار دشوار باشد، اما غیرممکن نیست. اگر نتوانیم تشخیص دهیم که کدام یک از دو کوهی که قلّه آنها پشت ابرها پنهان است، ارتفاع بیشتری دارد، بدین معناست که نمی‌توانیم تشخیص دهیم که کوه از تپه خاکی، بلندتر است؟ اگر نتوانیم درباره جنگ میان دو کشور همسایه قضاوت کنیم و بگوییم که کدام مقصر و کدام بی‌تقصیر است، آیا نمی‌توانیم بگوییم که اشغالگری و تجاوز قابل قبول نیست؟ آیا باید دشواری شناخت خوب از بد را بهانه‌ای برای دست کشیدن از شناخت معتبر و علمی دانست و ادعا کرد که داوری عقلانی و علمی میان کنش‌های سیاسی و نظام‌های سیاسی غیرممکن است؟



■ برگزاری سالگرد جشن استقلال الجزایر. الجزایر در طول ۱۳۲ سال استعمار فرانسه، برای دستیابی به استقلال، حدود یک میلیون قربانی داد. به همین دلیل به سرزمین یک میلیون شهید شهرت دارد.

■ روز بزرگداشت استقلال هند، تاریخی است که قانون اساسی هند به جای قوانین دولت استعماری انگلیس به اجرا درآمد. این روز محبوب‌ترین تعطیلات ملی هند است.

آیا می‌دانید جامعه‌شناسی برای مطالعه ارزش‌های اجتماعی و سیاسی چه مسیری پیموده است؟ یک بار دیگر به پیامدهای یکسان‌انگاری نظم اجتماعی و نظم طبیعی بیندیشید. طبیعت یک نظم جهان‌شمول دارد؛ یعنی قوانین طبیعت در همهٔ مکان‌ها و زمان‌ها یکسانند، از این‌رو نتایج مطالعه بر روی طبیعت در هر مکان و زمانی می‌تواند به تمامی مکان‌ها و زمان‌ها تعمیم داده شود. ولی جوامع و فرهنگ‌ها همانند طبیعت نیستند و ما نمی‌توانیم نتایجی را که از مطالعه و بررسی یک جامعه به دست آورده‌ایم به همهٔ جوامع دیگر تعمیم بدهیم. مثلاً نمی‌توانیم نتایجی را که از مطالعهٔ جوامع غربی به دست می‌آوریم به جوامع دیگر که با جهان غرب تفاوت دارند، تعمیم دهیم.



■ ماکس وبر شهر را زیستگاهی که دارای قلعه و برج و بارو، بازار، دادگاه مستقل و ... است، تعریف می‌کند. اگر پژوهشگری از منظر وبر به مطالعهٔ جوامع غیراروپایی بپردازد، به اشتباه این‌گونه نتیجه‌گیری خواهد کرد که شهر فقط در اروپا وجود داشته است.

برای پیشگیری از چنین اشتباهی، ناگزیر باید سایر جوامع و فرهنگ‌ها را نیز مطالعه و بررسی کنیم. اما در اینجا هم امکان دارد، مرتکب خطای دیگری شویم و آن اینکه در مطالعهٔ سایر جوامع و فرهنگ‌ها، به معانی فرهنگی آنها توجه نکنیم و آنها را از منظر غرب مطالعه کنیم.

و معنای پدیده‌های اجتماعی در آن فرهنگ‌ها را به درستی دریافت نکنیم برای جلوگیری از این خطا باید بکوشیم جوامع و فرهنگ‌های دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم؛ یعنی با رویکرد تفهیمی - تفسیری به بررسی آنها بپردازیم.

در این صورت با مشکل دیگری مواجه می‌شویم؛ تعدد و تنوع فرهنگ‌ها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان‌ناپذیر و تمام‌نشده می‌سازد. علاوه بر این فرهنگ‌های مختلف معمولاً به مرزهای خودشان محدود نمی‌مانند و ما را ناگزیر از مقایسه ارزش‌ها برای تشخیص ارزش‌های صحیح از ارزش‌های غلط می‌سازند. ولی وقتی علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته‌اند، ببیند و بررسی کند، امکان مقایسه و داوری فرهنگ‌ها و ارزش‌ها از دست می‌رود.

جامعه‌شناسی پوزیتیویستی با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش‌های انسانی را قابل مطالعه علمی نمی‌داند؛ از این‌رو با ارزش‌زدایی و معنازدایی از قدرت، آن را به‌عنوان یک پدیده خنثی و فاقد معنا، مطالعه می‌کند. جامعه‌شناسی تفهیمی نیز اگرچه امور سیاسی را پدیده‌هایی معنادار و ارزشی می‌داند، اما تا جایی که همانند جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، فقط روش تجربی را علمی و معتبر بشناسد، جامعه‌شناس را قادر به داوری درباره ارزش‌ها نمی‌داند. جامعه‌شناسان تفهیمی - تفسیری هم صرفاً به توصیف ارزش‌ها و نظام‌های سیاسی بسنده می‌کنند و ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آنها ارائه نمی‌دهند؛ به‌عنوان مثال ماکس وبر در مطالعه جوامع غربی، این جوامع را دچار «بحران اراده» و «بحران معنا» می‌بیند ولی معتقد است هیچ راه‌حل علمی برای این مشکلات و برون‌رفت از آنها وجود ندارد.

به همین دلیل جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند که رویکردهای پوزیتیویستی و تفهیمی - تفسیری هر دو محافظه‌کارند و نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند بلکه انسان‌ها را در برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می‌سازند. جامعه‌شناسان انتقادی یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش‌های اجتماعی به‌ویژه در عرصه قدرت را ضروری می‌دانند و دست‌شستن از این آرمان بزرگ را بن‌بست زندگی انسان معرفی می‌کنند.

#### گفت‌وگو کنید

زندگی انسان‌ها به‌ویژه در عرصه سیاسی، عرصه انتخاب ارزش‌هاست. به نظر شما دست‌شستن از داوری علمی درباره ارزش‌های سیاسی و اجتماعی چه نتایجی به دنبال خواهد داشت؟

### مفاهیم اساسی

– اقتدار .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### خلاصه کنید

– کنش‌های سیاسی با هدف حفظ یا بهترساختن وضع موجود انجام می‌شوند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....